

پیام دانشجو

«جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و استجایی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند.»

از نامه جناب آقای دکتر مصدق

ارگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
تیر ماه ۱۳۴۳

بها : ۵ ریال

جبهه ملی در آستانه تحول (۲)

شورای مرکزی جبهه ملی ایران پس از فرائت دو نامه جناب آقای دکتر مصدق که در شماره اردی بهشت ماه نشریه پیام دانشجو منتشر گردید - نامه مفصلی حاوی نظریات خود به حضور پیشوا تقدیم کرد معظم له این نامه را به تفصیل پاسخ گفتند و نظریات خود را که در دو نامه قبل امراز داشته بودند با توضیح بیشتر تأکید فرمودند و از اعضای شورای خواستند که به نظریات ایشان که در جهت مصالح ملت ایران است توجه کنند و ترتیبی اتخاذ نمایند که جبهه مؤثر شود و از حالت رکود بدرآید. شورای در پاسخ با این نامه نظریات خود را در مورد برخی از ایرادات پیشوا تشریح کرده در این هنگام جناب آقای دکتر مصدق نامه شورای را برای برخی از سازمانها و احزابی که با رویه ی شورای مخالف بودند و اصلاح اساسنامه را بسیار ضروری دانسته و میدانند ارسال فرمودند تا نظریات خود را به عرض معظم له برسانند.

سازمان دانشجویان به مض ملاحظه ای نامه فوق الذکر آن را با بدقت مورد مطالعه قرار داد و پاسخ تفصیلی خود را حضور پیشوا تقدیم کرد.

جناب آقای دکتر مصدق نامه دیگری خطاب بشورای جبهه ملی مرحوم فرمودند و در نوشت جوابهای سازمان دانشجویان و احزاب را نیز ضمیمه نامه خود کردند. درین نامه پیشوا بشورای جبهه ملی که خود را در مورد تشکیلات و سازمان جبهه ملی صاحب صلاحیت میدانست تکلیف کردند که نظر خود را راجع به عقیده پیشوا نفیاً یا اثباتاً اعلام کنند و بدنبال این نامه پیشوای ملت ایران بعنوان کوشش نهائی ملی نامندای

بتاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۴۳ از جناب آقای الهیار صالح خواستند که در رفع تردید و تزلزل اعضای شورا، جبهه ملی در مورد اصلاح اساسنامه پیشقدم شوند و تأکید فرمودند که: «...کناره جوشی جناب صالحی از کار جبهه ملی موجب یأس مردم است و اشخاصی مثل جناب صالحی باید موجب امیدواری باشند نه اینکه عده بیشماری را مأیوس فرمایند - يك رجل سهاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی بايست خودداری کند. برای خیر جامعه يك اساسنامه ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بشود و يك عده مخالف را با این عمل پسندیدند. امیدوار بود خدمت به وطن مهیا فرمائید...» با اكمال تأمل جناب آقای صالح بعدم مسوولیت و ناتوانی جسمی متعذر شدند و در عین حال نظر شورای را که متضمن رد پیشنهاد پیشوا در مورد آوردن جبهه ملی از حالت يك جمعیت محدود و در بسته بود تأیید کردند.

بدنبال این نامه پیشوا متن چند نامه اخیر را همراه با نامه ی مختصری برای سازمان دانشجویان جبهه ملی

در این شماره :
یادآوری
شماره تیرماه نشریه پیام دانشجو
بمناسبت اهدایی که انتشار نامه های
پیشوا در بردارد اندکی زودتر منتشر
میشود و نظر به کمی جا درج مقالات
و مطالب دیگر بشماوه آینده موکول
میگردد.

ملی فرستادند .

سازمان دانشجویان ذیلا پس از درج دستخط پیشوا خطاب بسازمان دانشجویان مبنی بر ارسال نامه ها به ترتیب نامه های زیر را برای اطلاع ملت ایران منتشر می کند :

- ۱- نامه‌ی مورخ ۱۲ اردی بهشت ماه شورای جبهه ملی باضای جناب آقای دکتر آذر به پیشوا .
- ۲- نظریات سازمان دانشجویان در مورد نامه شوری (مورخ ۱۶ اردی بهشت ماه)
- ۳- نامه مورخ ۲۹ اردی بهشت ماه ۱۳۴۳ جناب آقای دکتر مصدق به شوری
- ۴- نامه مورخ ۱۸ خرداد ماه جناب آقای صالح به پیشوا

ضمنا برای مزید اطلاع خوانندگان نامه ای را که جناب آقای دکتر مصدق پس از تقدیم نظریات سازمان دانشجویان در مورد نامه شوری بطور جداگانه خطاب باعضای این سازمان مرقوم فرموده‌اند و موجب افتخار و مباهات دانشجویان و نسل جوان ایران است درج می کند .

سازمان دانشجویان نهایت تأسف خود را از طرز رفتار آقایانی که با عنوان عضویت شوری در جلسه‌ای که نامه های پیشوا مطرح شده بود شرکت نموده و به پیشنهادهای اصولی ایشان توجه نکردند ابراز میدارد اعضای شورای جبهه ملی که طرف خطاب جناب آقای دکتر مصدق واقع شده‌اند نخواسته‌اند از روشن بینی و درایت پیشوای خردمند و رهبر ارجمند نهضت ملی ایران مستفید شوند و به نظریات اصولی و اساسی پیشوا که مطاع و متبع همه پیروان ایشان است گردن نهند . معظم له با شجاعت و شهامت همیشگی و خردمندی بیمانند به نجات جبهه ملی از بن بست فعلی کمر همت بستند اما اعضای شوری حاضر نشدند " ... از چنگ وک کاغذ بی مصرف در راه منافع ایران صرف نظر کنند و با مشارکت مخالفین (اساسنامه) اقدام در تنظیم يك اساسنامه جدید و مفید بفرمایند تا شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهایی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند "

اکنون ضروری است که آن دسته از شخصیت های ملی که باین گفته پیشوا در نامه خود آقای صالح معتقدند که " ... يك رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی بایست خودداری کند " مساعی خود را در راه تجدید بنای جبهه ملی و تشکیل آن بر اساس صحیحی که مصدق بزرگ پیشنهاد کرده است بکار برند و پیشقدم شوند و همچنین احزاب و دستجات و جمعیت‌هایی که تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند باید موقعیت تاریخی خود را دریابند و در این راه برای اعتلای نهضت ملی ایران کوشش نمایند تا گامهای بلندی برداشته شود .

احمد آباد ۲۳ خرداد ماه ۱۳۴۳

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه ی آن سازمان محترم در ۲۹ اردی بهشت قبل بشورای جبهه ملی ارسال شد و مساعی این جانب برای همکاری و تجدید نظر در اساس نامه بجائی نرسید اکنون رونوشت نامه خود و مرقومه جناب آقای اللهیار صالح را تقدیم میکنم که از آن مستخر باشید .

دکتر محمد مصدق

پیوست: (۱) رونوشت نامه ی این جانب

(۲) " مرقومه جناب آقای اللهیار صالح

نامه شورای جنبه ملی به پیشوای ملت ایران

۱۳۴۳ اردیبهشت ماه

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق

مرقومه محترم که بعنوان هیأت اجرائی و هیأت رئیسه شورای مرکزی جنبه ملی در پاسخ نامه مؤرخ ۱۳۰۴ اردیبهشت ماه جاری صادر شده است در ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۰۴ اردیبهشت ماه واصل گردید و بلافاصله بدعوت اعضای شورای مرکزی برای تشکیل جلسه فوق العاده اقدام شد. جلسه مذکور روز شنبه ۱۳۰۴ اردیبهشت تکمیل و مرقومه شریف قرائت و مورد مذاکره قرار گرفت و اینک به شرح زیر توضیحات لازم را عرض می‌نمایم:

بدون تذکر این نکته ضروری بنظر می‌رسد که اگر ما برپایه مطالبی متفرج در مرقومه شریف توضیحاتی بمرض می‌نماییم نباید چنین توهمی پیش آید که تصدی بر مقابله و یا مبارزه با دشمنان داشته یا در پییم است بلکه با توجه با این اهمیت که دستگاه ماکمه علی‌رغم توانمین موجود همچنان ضرورتاً را در قلمه اجتناب از محسوس و محصور نموده و چنانکه در نامه شریف و سایر نامه‌ها بکرات اشاره فرموده‌اید غیر از افراد خباثانوارده این ملک کجی بلافاصله ننداشته و نندارید و بدقیقات بر عدم استحضار خود از حوادث خارج تصریح فرموده‌اید - بر خود فرض می‌دانیم که در مورد بازگویی از مطالب متفرج در مرقومه محترم اطلاعات صحیح را بمرض برسانیم و طلب بر پیشوای ارجمند روشن شود اطلاعاتی که بمرض رسانده‌اند دور از حقیقت بوده است از جمله در مورد نحوه شرکت دانشجویان در کنگره کشوری جنبه ملی و انتخاب دو نفر دانشجوی بصوت شورای مرکزی که مرقوم فرموده‌اید جنبه ملی و لا ینا آنها را انتخاب کرده است واقع امر برخلاف آنچه می‌باشد که با اطلاع حضرتعالی رسانیده‌اند. جنبه ملی ایران برای آنکه بتواند علاوه بر احزاب سایر اجتماعات و دستجات را نیز در بر گیرد تشکیل سازمانهای مختلف بنام سازمان دانشجویان - کارگران - بازاریان - پیشه‌وران - فرهنگیان - جوانان و غیره را تشویق و هدایت کرد تا کلیه عناصر و افراد علاقمند به جنبه از هر صنف یا طبقه‌ای بتوانند بوسیله تشکیلات مربوط بخود در آن شرکت کنند.

کنگره کشوری جنبه ملی از نمایندگان انتخابی این اجتماعات و دستجات که بنام سازمانهای جنبه ملی گرد آمده بودند تشکیل گردید و افراد احزاب علاوه بر نماینده‌ای که از طرف حزب خود بکنگره اعزام داشته بودند در انتخابات سازمانها نیز شرکت نمودند و چنانکه در نامه قبلی نیز بمرض رسید عده کثیری از آنان از طرف سازمانهای مذکور برای عضویت در کنگره انتخاب شده بودند.

لازم بتصریح است که کنگره کشوری جنبه ملی که بر طبق اساسنامه موعود تشکیل آن فرا رسیده بود صرفاً از طرف عناصر مختلف جنبه ملی بخصوص احزاب و افراد آن مورد تقاضا بود و شورای قبلی جنبه ملی با تنظیم آئین نامه خاصی اقدام بانجام انتخابات کنگره کرد. بر طبق این آئین نامه جمیع اعضای جنبه ملی که بسن هیجده سال رسیده بودند میتوانند در انتخابات کنگره شرکت کنند و علاوه بر ۵ نفر اعضای هیأت نظارت مرکزی برای هر یک از سازمانها نیز هیأت نظارت خاصی مرکب از سه نفر که یکی از آنان با عنوان سرپرست بکنفر از اعضای شورای مرکزی می بود تعیین گردید. بترتیب فوق انتخابات هر یک از سازمانها جداگانه با شرکت افراد مربوط بان سازمان انجام گرفت و نمایندگان هر یک از سازمانها با رأی مخفی و مستقیم افراد آن سازمان برای تشکیل کنگره تعیین گردیدند.

راجع به نمایندگان دانشجویان که در مرقومه خود اشاره فرموده‌اید توجه حضرتعالی را باین امر معظوف

میدارد که بموجب آئین نامه کنگره مجموعاً ۳۵ نفر نماینده از طرف دانشجویان وابسته بجهت ملی انتخاب گردیدند (۲۹ نفر از دانشگاه تهران و ۶ نفر از دانشکده های شهرستانها) علاوه بر این عده - هفت نفر نیز برای سازمانهای دانشجویان ایرانی خارج از کشور در نظر گرفته شد ولی از طرف سازمانهای مذکور اطلاع داده شد که به علت عدم تضمین برای بازگشت نمایندگان انتخابی بمحیط تحصیل خود اعزام نماینده از طرف سازمانهای مذکور امکان ندارد.

برای جلب توجه آنجناب باصمیتی که بدانشجویان در انتخابات کنگره داده شده و از لحاظ مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان در کنگره بمرض میروساند که سایر صنوف بتعداد زیر دارای نماینده بوده اند :

بازار ۱۰ نفر - کارگران ۱۰ نفر - معلات ۱۰ نفر - فرهنگیان ۸ نفر - اصناف ۷ نفر - جوانان ۷ نفر - کارمندان دولت ۵ نفر - کارکنان شرکتها و بانکها ۵ نفر و همچنین سایر قسمتهای جنبه ملی و شهرستانها که تعداد نمایندگان آن کمتر بوده و هیچکدام قابل مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان نبوده اند و دانشجویان از اینجهت با تفاوت باری فزون سایر قسمتها قرار داشتند . بنا براین بهرچوجه تطهیری نسبت بدانشجویان بمعمل نیامده است زیرا اولاً تعداد نمایندگان آنها از سایر صنوف و سازمانها بمراتب بیشتر بوده و ثانیاً نمایندگان خود را در جلسات انتخاباتی مربوط بمر دانشکده و بطور جداگانه انتخاب کرده اند .

همچنین در مورد انتخاب دو نفر نماینده دانشجویان برای شورای کمی ولایت آنها را انتخاب نکرده است بلکه مجمع هیات کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی کلیه اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است که در آن از کلیه عناصر جنبه ملی از قبیل روحانیون - دانشجویان - اصناف - بازرگانان و سایرین وجود دارد و دونفر دانشجوی عضو شورای خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شورای مرکزی گردیده شده اند که یکی از آنان (بنام آقای عباس نراقی دانشجوی دانشکده فنی) از مدتها پیش همراه عده دیگری از دانشجویان مبارز همچنان در زندان بسر میبرد و زندگی تحصیلی او تباه شده است.

در مورد کنگره دانشجویان خارج از کشور لازم بتذکر است که نامبردگان در مرداد ماه سال گذشته هنگامی که هفت ماه از زندانی بودن اکثریت اعضای شورای و هیات اجرایی میگذشت با این استدلال که " عصر ما عصر رهبری و پیروزی جنبه های آزادی بخش در کشورهای استثمار شده و تازه آزاد شده است . مراد از جنبه ملقمه های تصمی از احزاب گوناگون نیست - ملصود از جنبه تشکیلات واحدی است که آنبوه استثمار شدگان را بدون در نظر گرفتن فشر اجتماعی آنان و بدون مرز بندی های مصنوعی بر سر یک شیوه یکسان مبارزه و یک برنامه عینی و علمی معرفی و واحد متشکل می سازد ."

تصمیم بآنحلال احزاب در اروپا گرفته اند و در این مورد نه با سازمان جنبه ملی در ایران مشورتی کرده اند و نه حتی تصمیم خود را قبلاً با اطلاع ما رسانیده اند و اصولاً جنبه ملی همچنانکه در نامه قبلی نیز تاکید گردیده است بهمت فراهم نبودن وسایل ارتباط و وجود تضییقات گوناگون عملی نمی توانستیم در امر سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت و مداخله ای داشته باشد و راجع به آنحلال احزاب اظهار نظری در هیچ مورد (خواه مربوط بداخل کشور و خواه خارج کشور) نگرده است .

مطالبی که در نامه قبلی راجع بتوضیح ایرانیمان خارج از کشور بمرض رسیده عرض کردیم مورد اعلیای آنها نیز صادق است بلین معنی که در غالب مراکز استانها و شهرستانها که طبقات مختلف مردم علاقمند بجهت ملی و شرکت در مبارزات آزادخواهان هستند احزاب وجود نداشته یا فقط بعضی از آنها دارای سازمانهای مختصری میباشد و مراکز تشکیلات جنبه ملی منحصراً سازمان احزاب گردد در این مراکز نمی توان تشکیلات وسیع جنبه را که بتواند تجمیع و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد . در تشکیلات جنبه ملی هیچکس

در این مورد با توجه باینکه در این سازمانها و تشکیلات جنبه ملی در ایران و خارج از آن هیچکس نمیتواند باینجهت اقدام کند و در این سازمانها و تشکیلات جنبه ملی در ایران و خارج از آن هیچکس نمیتواند باینجهت اقدام کند و در این سازمانها و تشکیلات جنبه ملی در ایران و خارج از آن هیچکس نمیتواند باینجهت اقدام کند

صحبت از انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دستورها را نیز در بر گیرد.

در مورد عدم شرکت يك حزب دیگر بنام "حزب سوسیالیست" که اشاره فرموده‌اید خاطر محتسرم را متحضر میدارد که در اوان تجدید فعالیت جبهه ملی تقاضای عضویتی از طرف "جامعه سوسیالیستها" به هیأت اجرائی واصل گردید که در اثر رأی مخالف بعضی از آقایان عضو هیأت اجرائی آنروز تقاضای مذکور مسکوت ماند و تاکنون عضویت این جمعیت در شورای مرکزی مورد بررسی قرار نگرفته است.

و در مورد مطالبی که راجع به ترتیب مذاکرات در شورای مرکزی مرقوم شده است لازم است بمرض برسازد که بر طبق صورتجلسات شورای مرکزی اعضای شوری - اعم از حزبی و غیر حزبی - نسبت بمسائل مطروحه در شوری همیشه صراحة اظهار عقیده کرده‌اند و تصمیمات جبهه ملی در کنگره و در جلسات شوری پس از بحث و بررسی دقیق و بصورت رسمی و علنی و با قبول مسولیت اتخاذ گردیده و انتشار یافته است و در موارد لازم برای اتخاذ تصمیمات از رأی مخفی نیز استفاده شده است و مطالبی را که در این مورد بمرض حضرتعالی رسانیده‌اند با واقع امر تطبیق نمی‌کند.

در مورد تغییر اساسنامه خاطر گرامی را باین نکته جلب مینمایم که شورای مرکزی منتخب کنگره شوری است و بر طبق ماده چهل و دوم اساسنامه مصوب کنگره نمی‌تواند رأساً نسبت به تغییر آن اقدام نماید و این از وظایف کنگره بشمار میرود که بموجب اساسنامه میبایستی هفت ماه دیگر تشکیل گردد و علاوه بر اینکه اجرای نظریات حضرت مستطاب عالی در مورد پذیرش کلیه احزاب و اجتماعات و دسته‌های دیگر حاضرند در راه آزادی فداکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است - لازم میدانم خاطر مبارک را متحضر سازد که اکنون تقاضای در این مورد وجود ندارد که عدم قبول آن موجب اعتراض یا ناراحتی شده باشد. اعتراضات و مخالفتها از طرف احزاب و عناصری بعمل می‌آید که در داخل جبهه ملی بوده و در شورای مرکزی و یا سایر مراکز جبهه شرکت دارند و مسئله اصلاح اساسنامه از طرف آنها صرفاً بعنوان بهانه ای برای ابراز مخالفتها بکار میرود.

نظر باینکه آنجناب که رهبر و پیشوای نهضت ملی هستید صراحتاً ترکیب شورای مرکزی جبهه و اساسنامه آنرا نمی‌فرموده‌اید و نظر باینکه مقابله با نظریات پیشوای معظم را بصلاح نهضت و ملک ملت نمیدانیم و با توجه باینکه عناصر معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمانهای دیگر معذور خواهند بود - چنانکه توضیحات مرقومه در عریضه قبلی و این نامه مورد قبول واقع نشود ادامه کار این شوری غیر مقدور خواهد بود.

با تجدید مراتب ارادت و ادعیه خالصانه از طرف شورای مرکزی جبهه ملی

مخلص دکتر مهدی آذر

نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به پیشوای ملت

تهران - ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق

با اجازه آن جناب نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه / ۴۳ که در پاسخ نامه پیشوا از طرف شورای مرکزی جبهه ملی تهیه شده است مطالعه شد توضیحات زیر که مبتنی بر واقعیات و پرونده‌های موجود جبهه ملی و خصوصاً پرونده کنگره جبهه ملی است و قبلاً نیز از لحاظ پیشوا گذشته است باختصار بمرض میرسد:

در نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه / ۴۳ مطالبی بیان شده و طبعا در مقام نتیجه گیری بملت عدم

درود بدان دانشجویان دلیری که بدستور جهانشاه صالح و بعنوان تنبیه به سرپازی برده شده‌اند.

التفات به برخی واقعیات رعایت عدالت و انصاف نشده است. بعضی از این موارد عبارتند از :

۱- بر اساس نامه های پیشوا بعدم استحضار ایشان از جریانات استناد شده است و نتیجه کلیه نظریاتشان را از لحاظ تشکیلات جبهه ملی صحیح ندانسته اند. باید باین نکته توجه میشد که اظهار عدم اطلاع پیشوا و لا متضمن مصالحی است و ادب و احترام و اصول سیاست اقتضا میکند که بدین طرز مورد استناد واقع نشود. ثانیاً : در نامه اخیر پیشوا بدانجویان یادآوری فرموده اند که در مورد نحوه مهارزه باید در متن جریان بود در حالیکه مسأله تشکیلات غیر از آنست و عدم توفیق جبهه ملی در گذشته که قسمتی از آن معلول نداشتن سازمان صحیح بوده است احتیاج باسناد و اطلاعات گوناگون و فراوان ندارد.

۲- تشکیل کنگره کشوری جبهه ملی ایران از طرف احزاب و دانشجویان نشگاه مصر مورد تقاضا بود و همانطوریکه در نامه تلویحا اشاره فرموده اند بر اثر این تقاضاها کنگره تشکیل گردید. علت اصرار بر تشکیل کنگره این بود که شاید تغییرات مطلوب در نحوه رهبری ایجاد شود و جبهه موثر شود اما متأسفانه در عمل کنگره طوری ترتیب یافت که همان نظریات سابق را تأیید کرد و به پیام پیشوا هم توجه نکرد. این عدم موفقیت ناشی از ترکیب نامتناسب کنگره بود و وجود کرسی های ظاهراً صلاح بسیار برای سازمانهای موهوم و یا کم نیرو. ۳- در نامه مرسوم فرموده اند : جبهه ملی تشکیل سازمانها را تشویق میکرد. عناوین سازمانی در چند سال گذشته وجود داشته است اما جز چند سازمان که از دوره اول فعالیت جبهه ملی سابقه داشتند بقیه سه نیروی چندانی داشتند و نه تحرك قابل ملاحظه ای سازمانها می نظیر سازمان دانشجویان نیز بمنابرین مختلف تضعیف می شدند.

سازمان جوانان که از جوانان پر شور دبیرستانی تشکیل شده بود و امیدی برای آینده بود درست مورد استفاده واقع نشد و در فاجعه اول بهمن / ۴۰ این سازمان در اثر کارهای بی رویه اش مورد انتقاد و ایراد فراوان قرار گرفت و از اثر افتاد.

۴- مرسوم فرموده اند که در کنگره جبهه نمایندگان احزاب عضویت داشته اند. تنها سه نفر از سه حزب وابسته به جبهه ملی عضو کنگره ما بودند نه بیشتر.

۵- اینکه مرسوم داشته اند نمایندگان احزاب در انتخابات سازمانها شرکت داشته اند نباید بمنوان مرحمت و لطف بیش از حد تلقی شود افراد و اعضای احزاب در جبهه کار می کرده اند سازمانهای مورد نظر را اداره مینمودند و بنا بر این در انتخابات هم شرکت کردند. شاید مقصود این باشد که باید بهمان یک نماینده از هر حزب اکتفا میشد و افراد احزاب عضو سازمانها حق انتخاب نماینده دیگری نمیداشتند که تصدیق خواهند فرمود قبول آن اندکی دشوار است.

۶- با اینهمه شرکت احزاب وابسته تمام و کامل نبوده است از رأی دادن بسیاری از افراد عضو احزاب یا با ندادن آنکت بآنان و یا اصولاً قبول نکردن معرفی نامه احزاب جلوگیری شد انتخابات سازمان کارگری و سازمان جوانان مورد اعتراض قرار گرفت (و البته بآن رسیدگی نشد) انتخابات سازمان محلات که سازمان نسبتاً مهم و قابل توجهی بود و از زمان نهضت مقاومت سابقه داشت به علت اکثریت داشتن یکی از احزاب اصولاً انجام نیافت و کرسی آنها در کنگره خالی ماند.

۷- جمعیت نهضت آزادی ایران بمنوان جمعیت نماینده نداشت. جامعه و سیالیستهای نهضت ملی ایران اصولاً نماینده نداشت.

۸- مقایسه تعداد نمایندگان هر یک از سازمانها و تعداد نمایندگان سازمان دانشجویان نشان دهنده برتری تعداد نمایندگان دانشجویان است و این مطلب صحیح است اما از بیان یک نکته حساس خودداری فرموده اند و آن اینست که تعداد رأی دهندگان دانشگاه که فقط ۲۹ نماینده داشت نصف تعداد افراد رأی دهنده کلیه سازمانها

بوده است.

در برابر ۲۹ نماینده‌ای که بدانشگاه داده شده بود این سازمانها که همه در طرف دیگر قرار میگیرند بشرح زیر نماینده داشتند :

بازار ۱۰ نفر کارگران ۱۰ نفر محلات ۱۰ نفر فرهنگیان ۸ نفر اصناف ۷ نفر کارمندان ۵ نفر کارکنان بانکها و شرکتها ۵ نفر تشکیلات اداری ۷ نفر سازمان جوانان ۷ نفر حومه ۹ نفر هیات علمی ۲ نفر سازمان زنان ۲ نفر ورزشکاران ۲ نفر .

خصوصاً عرض این نکته را ضرور میدانم که بعضی از این سازمانها اصولاً جز اسم و دوسه نفر کسی را نداشتند از سازمان بانکها و شرکتها همیشه در جبهه ملی بعنوان ضرب المثل و نماینده کم کاری - پرحرفی بی‌عزتی و شایعه پراکنی یاد شده است .

۹ - مرسوم فرموده‌اند که نسبت بدانشجویان تحقیری بصل‌نیامده است . البته تحقیر ظاهری و مادی تقریباً وجود نداشته است اما فکر می‌کنیم تحقیر معنوی در کار بوده است .

پیش از تشکیل کنگره تقاضای دانشجویان در مورد رسیدگی بشاخصه اول بهمن توجیهی فرمودند و بدانشجویان را برای طرح این تقاضا سرزنش کردند در کنگره به پیشنهادهای دانشجویان توجیهی نمیشد حتی پیشنهادهای که پس از پیشنهاد دانشجویان داده شده بود برخلاف اصول به رأی گذاشته شد و وقتی دانشجویان بعنوان اعتراض جلسه را ترک کردند بعضی گفتند که جبهه ملی بدانشجویان احتیاج ندارد . هنگامیکه انتخابات دوره بیست و یکم آغاز شد دانشجویان بدلیل آنکه جبهه ملی همیشه از انتخابات صحبت میکرده است پیشنهاد کردند که برای مقابله با صخره بازیهای هیات حاکمه تصمیمی اتخاذ شود متأسفانه به پیشنهاد اعتنائی نشد و آقایان رهبران از اظهار نظر خودداری فرمودند برای آنکه دولت نتواند از سکوت بعنوان وجود آزادی انتخابات استفاده کند با وجود مخاطرات فراوان و با وجود حکومت نظامی دانشجویان تصمیم گرفتند رأساً اقدام کنند و با تقاضای متینگ دستگاه را در برابر این مسأله قرار دهند که با مخالفت و جلوگیری شدید از متینگ آزاد نبودن انتخابات یکبار دیگر اعتراف کند . اما در آخرین لحظات (روز ۱۴ شهریور روز قبل از متینگ) بعنوان آنکه انجام متینگ متضمن مفاسدی است از انجام آن جلوگیری بعمل آوردند و البته این امر موجب شد که دانشجویان لااقل در برابر مقامات انتظامی حقیقت و موهوم شوند .

در تنها نشریه‌ای که با اسم اخبار جبهه ملی پس از ماهها سکوت در فروردین ماه امسال منتشر گردید يك کلمه - حتی يك کلمه از دانشجویان و نام آنان در میان نیست .

نامه‌های کمیته دانشگاه در شوری مورد توجه قرار نمی‌گیرد و مثلاً نامه اخیر سازمان دانشجویان شوری (در اسفند ماه ۴۲) که متضمن دلائلی برای انحلال شوری و لزوم تشکیلات مؤثر و اصولی بود سکوت گذاشته شد .

بنظر می‌رسد که این موارد را میتوان از مصادیق تحقیر دانست .

۱۰ - مرسوم فرموده‌اند که جبهه دو نفر نماینده دانشجورا "ولا ینا انتخاب نکرده است بلکه مجموع هیات کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی کلیه اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است و دو نفر دانشجوی عضو شوری خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شوری برگزیده شده‌اند..." این مطلب در حد خود صحیح است ولی ایراد بهمین کار بوده است . در اینکه دو نفر دانشجو فعلاً در شوری عضویت دارند و از دوستان ما هستند حرفی نیست و در اینکه این دو نفر نمایندگان منتخب دانشجویان دانشکده فنی و دانشگاه ملی برای شرکت در کنگره بوده‌اند باز هم بحثی نیست .

گفتگو در اینست که اکثریت نمایندگان منتخب دانشجویان عضو کنگره بنمایندگی از طرف موکلین خود

(و در نتیجه دانشجویان) این دورا بعنوان نماینده خود در شوری نامزد نکردند و آنها را نماینده خود در شوری نمی شناختند و نمی شناسند .

دانشجویان مسأله داشتن کرسی خاص برای خود در شوری را در کنگره مطرح کردند دانشجویان میخواستند نمایندگان از طرف آنان در شوری باشد آنها نماینده دانشجویان عضو شوری میخواستند و میخواهند نه دانشجویان یا دانشجویان عضو شوری .

بنا بر این در عین صحت این مطلب که دو تن دانشجو در شوری عضویت دارند و در عین آنکه فعلاً در صلاحیت فردی آنها که دوستان عزیز ما هستند اثباتاً یا نفیاً گفتگوئی نداریم این ایراد را بجای خود باقی میدانیم که دانشجویان در شوری نماینده نداشته و ندارند . نمایندگان دانشجویان در کنگره سه نفر را بعنوان نمایندگان دانشجویان دانشگاه کاندیدای عضویت در شوری کردند . سه نفر نماینده با توجه سازمان نسبتاً متحرک و وسیع دانشجویان و تمهید اعضای سازمان دانشجویان در بررسی و پنج نفر از کل اعضای انتخاباتی شوری نه تنها زیاد نبودند بلکه کم بود و البته با این سه نفر رأی کافی داده نشد و دلیل آن این بود که در ترکیب نامناسب کنگره با اینکه نصف مجموع رأی دهندگان تهران در انتخابات کنگره از دانشجویان بود دانشجویان تهران فقط ۲۹ نفر نماینده دارند .

خلاصه این بحث اینست که دو دانشجوی فعلی عضو شوری نمایندگان دانشجویان در شوری نیستند چون اکثریت نمایندگان دانشجویان عضو کنگره آنها را کاندیدا نکرده بودند و این دو نفر از طرف مجموع هیأت کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی و لا یتا بعنوان نماینده دانشگاه انتخاب شده اند .

۱۱ - در باره دانشجویان دانشکده های شهرستانها و اصولاً فعالیت جبهه ملی در شهرستانها میتوان گفت که تقریباً تنها در شهرستانهای فعالیت وجود دارد که دانشگاه و دانشکده ای هست و یا احزاب اندکی کوشش میکنند بنا بر این با توجه باینکه در شهرستانها قسمت بیشتر بار مبارزه بسدوش دانشجویان برده است میبایست بهمین نسبت نماینده داشته باشند و حال آنکه چنین نبوده و تنها برای کل دانشجویان شهرستانها ۶ نماینده پیش بینی شده بود از تشکیلات وسیع شهرستانها هم که در نامه یاد شده است جز فعالیت دانشجویان اطلاعی دیگری در دست ما نیست در گذشته متأسفانه کمتر به شهرستانها توجه شده است و جز جناب آقای صالح که به زادگاه خود کاشان توجهی داشته و دارند و دو سه تن دیگر بشبه تقریباً هیچگاه نه در اندیشه زاد و بوم خود بوده و نه به محلی که مردم آن خاطرات فراوان از مبارزات درخشان ایشان داشته و آنان را با آغوش باز استقبال میکردند سفری کرده اند . و اگر هم در بعضی دیگر از شهرستانها نامی از جبهه ملی هست ثمره کوشش و فعالیت دانشجویانی است که هنگام تعطیلات بموطن خود سفر کرده اند و بجای استراحت بفعالیت پرداخته اند .

۱۲ - مفهوم فرموده اند که : جبهه ملی عملاً نمیتوانسته است در امر سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت داشته باشد .

این فکر شاید اخیراً پیدا شده باشد زیرا پیش از این همانطور که در نامه اشاره فرموده اند برای دانشجویان خارج از کشور نماینده در نظر گرفته بودند و این نشانه ای از نظارت - ارتباط - و رهبری است ثانیاً تا چندی پیش که سکوت فعلی پیش نیامده بود کمیسیون رابطه با خارجه در تشکیلات جبهه ملی کار میکرد و ریاست آن هم با جناب آقای دکتر آنر بود . پیام دانشجویان مقیم خارج کشور نیز بوسیله جناب ایشان در کنگره شراعت شد .

۱۳ - متأسفانه بسیاری از نظرات نظیر جبهه ملی با مفهوم حزب بزرگ و انحلال احزاب و غیره از تهران

تلقین میشد.

۱۴ - مرقوم فرموده اند که جنبه ملی راجع باحزاب نظری نداشته است. ولی میدانیم که هنگامیکه حزب سوسیالیست (منشعب از حزب زحمتکشان نیروی سوم) بر رهبری آقای دکتر خنجی انحلال خود را اعلام کرد و اجرای این امر را باحزاب دیگر نیز پیشنهاد نمود. فداکاریشان مورد تکریم و تأیید شوری قرار گرفت و پس از آن هم تعلیمات و تشکیلات جنبه ملی بانحزاب منحل شده سوسیالیست آقای دکتر خنجی داده شد. حزبی های سابق برای جنبه حوزه حزبی ساختند و تبلیغ علیه احزاب و سایر مخالفان انحلال احزاب و جمعیت ها از جمله دانشگاه آغاز گردید اگر این مطالب مروض صحیح باشد باید قبول کرد که در جنبه ملی نسبت باحزاب نظر وجود داشته است.

۱۵ - در همین نامه نیز نظر نا مساعد شوری نسبت باحزاب بمرض پیشوا رسیده است: مرقوم فرموده اند: "در شهرستانها ... هرگاه تشکیلات جنبه ملی منحصر باحزاب گردد درین مراکز نمی توان تشکیلات وسیع جنبه را که بتواند تماس و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد." و این مطلب تحذیر احزاب را متضمن است.

۱۶ - مرقوم فرموده اند: "در تشکیلات جنبه ملی هیچگاه صحبت انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دسته ها را در بر گیرد. بمرض رسید که صحبت انحلال بود تبلیغ ضد حزبی هم میشد و حزب هم منحل گردید. سازمان جدید هم متأسفانه بابتکار جنبه ملی تشکیل شد و بر عکس یکی از علل مخالفت یا نهضت آزادی این بود و در کنگره هم عنوان شد که جمعیت نهضت آزادی ایران پس از تجدید فعالیت جنبه ملی نمیبایست تشکیل شود و پیشوا بخوبی واقفند که از راه دادن نهضت آزادی به جنبه ملی حتی در کنگره هم مخالفت بعمل آمد و عضویت حضرت آیه آله طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان هم در شورای جنبه ملی جنبه فردی داشت نه نمایندگی جمعیت نهضت آزادی ایران.

۱۷ - در مورد جامعه سوسیالیستها فرموده اند: در او ان تجدید فعالیت جنبه تقاضای عضویتی از آنها رسید و بعلمت مخالفت بعضی از آقایان سکوت ماند و تاکنون عضویت آنها مورد بررسی قرار نگرفته است نزدیک چهار سال از تجدید فعالیت جنبه ملی میگذرد آیا درست است که عضویت جمعیتی چهار سال سکوت بماند و مورد بررسی قرار نگیرد.

۱۸ - مرقوم فرموده اند "نظریات حضرتعالی در مورد پذیرش احزاب و اجتماعات و دستجاتیکه حاضرند در راه آزادی فداکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است" اگر نظریات پیشوا همان است که در پیام بکنگره ابلاغ فرموده اند که: "در بهای جنبه ملی باید بروی تمام احزاب و دستجات و افراد ... باز شود" و در نامه های اخیر مجدداً تذکر داده اند باید بمرض برسد که اساسنامه در آن جهت نیست با این اساسنامه نه تنها در بهی و باز نکردند بلکه در بهای باز را بستند و حتی گل گرفتند. بر طبق این اساسنامه قبول وابستگی جمعیتها در صلاحیت کنگره است. یعنی میبایست برای وابستگی جمعیتها منظر تشکیل کنگره جدید بود بصیارت دیگر هر دو سال یکبار احزاب و اجتماعات میتوانند تقاضای عضویت کنند و متأسفانه ممکن است در کنگره هم با وضع نظیر وضع نهضت آزادی روبرو شوند چون بر طبق همین اساسنامه در کنگره ای در حال تشکیل تقاضایشان مطرح شد و با جنجال فراوان به صورتی خاتمه یافت که نه تنها مسأله مجمل ماند بلکه ناراحتی هائی را هم موجب شد که پیشوا خود مطلع میباشند.

درود به سران و اعضای فداکار جمعیت نهضت آزادی ایران که با تمام آزادیخواهی و وطن دوستی در دادگاه فرمایشی نظامی محاکمه می شوند

۱۹ - مرسوم فرموده اند که : اعتراضها از جانب احزاب و عناصر است و اصلاح اساسنامه بهانه اعتراض فقط از طرف بعضی از احزاب نیست - حزب مردم ایران - حزب ملت ایران - جوانان و اعضای فعال حزب ایران که در کنگره اخیر این حزب هم اکثریت داشته اند - دانشگاه - بازار که در جبهه ملی فعلی هستند و نهضت آزادی ایران و جامعه سوسیالیستها که در خارج این جبهه فعلی هستند اعتراض دارند اعتراض هم به سکوئی است که مبتنی بر سیاست صبر و انتظار مصوب شورای است . اعتراض به نحوه عمل و مبارزه است مسأله اساسنامه هم يك مسأله اساسی است و بهانه نیست فعلا نیز طرح نشده است بلکه لااقل از زمان تشکیل کنگره مورد بحث و گفتگو و اعراض و اعتراض است . در عمل هم ثابت شده است که با این ترکیب نامتناسب سیاست صحیح اتخاذ کردن کاری مشکل و گاهی ممنوع است اصلاح اساسنامه یکی از کارهای اساسی است برای تغییر شکل کار و نحوه عمل اعتراض کنندگان ما یلند کسانی که صاحب نیرو و تشکیلاتند دور هم جمع شوند و با ارزیابی نیروی خود تصمیماتی بگیرند و متعهد اجرای آن باشند .

۲۰ - مرسوم فرموده اند که چون معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی هستند نمی توانند اساسنامه را تغییر دهند متأسفانه همین اساسنامه هم اجرا نشده است . هیأت داوران که در اساسنامه پیش بینی شده است در مدت هفده ماه گذشته تعیین نشده است - کسانی که سه جلسه غیبت غیرموجه داشته اند مستعفی شناخته نشده اند و در چند ماهی که آقایان در زندان بودند جبهه ملی بلا تکلیف بود .

۲۱ - مرسوم فرموده اند " . . . عناصر معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت سازمانهای نوع دیگر معذور خواهند بود . . . " بنظر میرسد که رهبری نباید گرفتار الفاظ باشد اعتقاد باید اعتقاد به کار و فعالیت و مبارزه باشد نه با اساس تشکیلاتی غلط و این مطلب باید مسلم باشد که تشکیلات باید در خدمت جبهه ملی و مآلات ایران باشد نه جبهه ملی در خدمت تشکیلات و بنده و فرمانبردار آن .

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه جناب آقای دکتر صدق به شوری

احمدآباد ۲۹ اردی بهشت ماه ۱۳۴۳

شورای مرکزی جبهه ملی

مرحوبه محترمه مورخ ۱۲ اردی بهشت عزوصول بخشید و بنظر آقایان مخالفان رسید جوابی را که داده اند تقدیم میکنم و باستحضار میرسانم که اساس نامه و آئین نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتوانند از آن استفاده نماید و کاریکه صورت میگیرد زیر نظر عموم احزاب و اجتماعات و دستجات باشد این جانب را عقیده آن است که انتخاب اعضای شورا بدست کنگره که در هر دو سال یکبار تشکیل میشود و قادر نیست کار شورا نظارت کند کاریست بیپوده چه هر هیئتی را که افرادی انتخاب کنند باید در کار آن هیئت نظارت داشته باشند تا هر چه میشود در نفع جامعه تمام شود .

این جانب با تشکیل کنگره که هر دو سال یکبار در طهران تشکیل شود و اختیارات محلی خود را اظهار کند و هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی کمال بصیرت باشد و بدرد مردم خارج از مرکز بخورد کاملاً موافقم ولی موافق نیستم اگر حزبی تشکیل شد و خواست وارد جبهه ملی بشود مدت دو سال صبر کنید تا کنگره تشکیل بشود یا نشود آیا تصور نمیفرمائید که این نظریه برخلاف مصلحت مملکت است چونکه هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است ؟

انتخابات اعضای شورای جبهه ملی بدست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم میکند

با این فرق که وکلای مجلسین خود را مسؤل دولت میدانند و آن را اصطلاحاً مشروطه میگویند ولی اعضای شورا که بدست کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسؤلند نه در مقابل حزبی که بنام آن وارد کنگره شده اند و روح حزب از انتخاب آنان بیخبر است و مسؤلیت شان فقط در مقابل يك عده اعضای منقرب و بی پشت و پناه است که قادر نیستند در پیشرفت جنبه ملی اقدامات مؤثری بکنند شورای مرکزی جنبه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانهای صنفی و محلی تشکیل شود تا جنبه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد نظر این جانب بحزب توده نیست که آن را مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جنبه ملی بآمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط است باحزابی که مستدلند و توانند حافظ منافع جامعه باشند.

این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساس نامه که میگوید "مدارك مربوط باحزاب در دبیرخانه جنبه ملی محفوظ خواهد ماند" مخالفم چونکه حرفی است بلا اثر چنانچه مقصود تنظیم کنندگان اساس نامه حزب توده باشد کی است که آن را نشناسد و لازم بارائه مدرک باشد جنبه نیز يك اداره ی دولتی نیست که پرونده کارمندان و مستخدمین را با یگانی کند و با بودن عده ای از ما بهترین درخود شورا مدرک محفوظ بماند و این عمل سبب شود که جنبه از عضویت افراد فداکار بکاهد آن روز که مرحوم جنت مکان ((ستارخان)) قد علم نمود و در راه آزادی و استقلال وطن قدم برداشت کسی با و نگفت سابعدهی خود را بیان کند چنانچه این حرف گفته شده بود شاید مایوس میشد و کاری صورت نمیداد و بعد همه دیدند که از آن مرد شریف و وطنپرست کاری صورت گرفت که تا ایران باقی است نامش فراموش نمیشود و زبان زد خاص و عام خواهد بود بطور خلاصه تشکیل شورا بدین طریق مؤثر نیست و اعضای شورا باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسؤل بدانند و در انجام مقاصد جنبه با آنان کمک کنند و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که هر فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقدانی بدست آورد تا بتواند در شورای جنبه ملی در نفع وطن خود استفاده نماید اشخاص بیموکلانی را که کنگره یا شورا انتخاب کنند آلت دست اشخاص میشوند که آنها را توصیه می کنند و بدین طریق ایران همیشه فاقد رجال خواهد بود و بهمین جهات در عرض این چند سال جنبه ملی نتوانست کوچکترین قدمی در راه آزادی و استقلال ایزد بر دارد و بهترین مثال وجهی است که هموطنان عزیز برای ساختن نهائی در محصل زلزله جنبه ملی دادند ولی جنبه با این عنوان که بعضی از ما مورین دولت مانع ساختن میشوند دم نزد و تظاهراتی نکرد و جوه را در یکی از بانکها ودیعه گذاشت آیا بهتر نبود که مظلومیت خود را بدنی ثابت کند و بعد جلسهای از صاحبان وجوه تشکیل دهد و آن را بدیهندگان وجوه بپردازد؟

آیا میشود تصور کرد که نمایندگان احزاب و دستجات وقتی پای مصالح مملکت بمیان آمد از کارشانه خالی کنند و رایشی که در موارد مهم با وره و علنا گرفته میشود بنحلاف صلحت بدهند؟ این جانب دیده ام اشخاصی که سابقه خوب نداشته اند ولی در اجتماع و دادن رأی علنی نتوانستند با افکار جاهل و مخالفت کنند و بهترین مثال تصویب ملی شدن صنعت نفت است در مجلس ۱۶ و استعفای عده ی زیادی از نمایندگان مجلس قبل از اینکه نتیجه ی رفتارند معلوم شود و این مردان وطنپرست هنوز هم مورد بی مهری دستگاه میباشند آن روز وضعیت طوری بود که جامعه می توانست افکار خود را اظهار کند و بی بعد که دولت استعمار سازش کردند و جدیت خود را بیشتر نمودند دیگر قادر نیست مبارزه کند و یکی از جهاتی که نمی تواند جنبه ملی است که بدین طریق تشکیل شده است.

جنبه ملی احتیاج با افراد عجاج و وطنپرست دارد که بنمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند و با این اساس نامه و آئین نامه هرگز چنین افرادی وارد جنبه نمیشوند و جامعه از خدمات فرزندان وطنپرست خود محروم خواهد ماند اکنون که واضح و روشن شده است از این اساس نامه و آئین نامه کاری ساخته نیست آیا ممکن است از چند ورق کاغذ بيمصرف در راه منافع ایران صرف نظر کنند و با مشارکت مخالفین اقدام در

پیام دانشجو

تنظیم يك اساسنامه جدید و مفید بفرمایند شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهای بزرگی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند - بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و صدع شوم چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه ایست که تقدیم میکنم با انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد .
دکتر محمد مصدق

پیوست

جواب مخالفان طبق تاریخ تنظیم نامه ها

(۱) نامه مورخ ۱۶ اردی بهشت ۱۳۴۳ سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

(۲) " " " " " " حزب ملت ایران

(۳) " " " " " " جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران

(۴) " " " " " " حزب مردم ایران و ضمایم آن

نامه نهضت آزادی ایران هم بعد از ۲۹ اردی بهشت رسید که آن نیز برای شورای جبهه ملی ارسال شده است

نامه جناب آقای صالح به پیشوا

تهران - ۱۸ خرداد ۱۳۴۳

پیشوای معظم و سرور ارجمند

موقوم ۱۲ خرداد زیارت و موجب کمال تشکر گردید . بطوریکه در نامه قبل هم عرض کردم بنده مبتلا بدوبیماری مهم (ورم پرستات و سنگ کلیه) هستم و مدت زمانی است که در مقام کناره گیری بوده ام تا اینکه بعلمت شدت بیماری و مشکلات طاقت فرسای اخیر قدرت ادامه خدمت از بنده بکلی سلب گردید - و ناچار باستمفا بوده و هستم .
راجع باصلاح اساسنامه جبهه ملی هم که بار دیگر اشاره فرموده اند جواب همانست که در نامه های رسمی هیئت اجرائی و شورای جبهه بمرض رسیده است - و بنده نمی توانم چیزی بر آن اضافه کنم سلامتی وجود محترم را خواهانست .
اللهیار صالح

نامه ای برای دانشجویان

احمدآباد ۲۶ اردی بهشت ۱۳۴۳

آقایان محترم و فرزندان عزیزم

نامه مورخ ۱۸ اردی بهشت رسید و موجب نهایت امتنان گردید فداکاریهای شما در راه وطن عزیز موجب افتخار هموطنان است امید و چشمداشت عموم بفداکارها و از خود گذشتگی هاست که در راه آزادی و استقلال ایران وطن عزیز نموده اید از حق نباید گذشت که در این راه از همه چیز صرف نظر کرده اید این جانب برای شما فرزندان عزیز کمال احترام هائلم و اکنون که کاری از من ساخته نیست و در زندان بسر میبرم با قلبی محزون و چشمی گریان توفیق شما را بیش از پیش از خدا مسألت دارم
کسی که شما را بسیار دوست دارد

دکتر محمد مصدق

ملت شهروان الجزایر خواستار آزادی پیشوای ملت ایران است

جبهه آزادی بخش ملی الجزایر در کنگره ای اخیر خود که با شرکت ۱۸۰۰ نفر نماینده تشکیل گردید با اتفاق آراء توأم با کف زدنهای ممتد این قطعنامه را تصویب نمودند : " کنگره جبهه آزادی بخش ملی الجزایر آزادی فوری دکتر محمد مصدق رئیس دولت ایران را که پس از کودتای استعماری ۱۹۵۳ زندانی شده اند خواستار است . "

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه جهل و اسارت ملت کهنسال ایران است